

## فتوی جناب دکتر داریوش همایون در حمایت از اولین آیت الله زن شیعه برنده جایزه صلح نوبل!

آیت الله کنی فرمودند: اگر انگلیسی ها عبادی را در نمی آوردند اتحاد حسین خمینی و اپوزیسیون فاتحه رژیم را خوانده بود.

مترجم توده ای به آذین : برای حفظ ایران، باید با اسلام راه آمد، چاره ای نیست!

در رابطه با آیت الله کنی و رفیق به آذین حرفی و یا سخنی نیست اما در رابطه با جناب همایون باید گفت:

**چو مرد را تیره شد روزگار همه آن کند که هیچ نیادش به کار**

جناب آقای داریوش همایون در مورخه بیستم اکتبر دو هزار و سه میلادی در کیهان لندن شماره نه صد و هفتاد و نه، با صدور یک فتوای ضمن تقدیر از زحمات خواهر محببه شیرین عبادی اولین آیت الله زن شیعه اظهار فرمودند: **که جایزه صلح نوبل امسال را به خانم شیرین عبادی داده اند و همه چیز در این جایزه به زیان جمهوری اسلامی است.**

سئوالی که اینجا به ذهن انسان با خواندن این فتوای خطور می کند این است که چگونه است که جناب همایون به یک همچنین کشف بزرگی نائل گردیده اند!؟؟؟

کمی در دریای بیکران خاطرات خود غرق می شوم که ببینم آیا جناب همایون قبل از این هم از اینگونه فتاوی داده اند، زیاد نیاز به جستجو نیست و خیلی زود در می یابم بله جناب همایون از اینگونه تعریف و تمجیدهای بسیار از ایشان در مدح مولای اصلاح طلبان حضرت حجت الاسلام والمسلمین خاتمی می توان یافت و بر شمرد، البته الآن اگر از ایشان سؤال بشود به کل آن را منکر خواهند شد، به قول معروف دیوار حاشا بلند، مادر دوستی خطاب به فرزند دروغگویش همیشه می گفت: دروغ یک خوبی دارد و آن هم این است که کنتور نمی اندازد و شما می توانید هر چه بخواهید دروغ بگوئید و نه پولی بابتش لازم است پرداخت کنید و نه کسی بدین منظور شما را مواخذه خواهد کرد، به خصوص در این بازار مکاره سیاسی ایران که نه اخلاقی بر آن حاکم است، و نه اگر کسی هم این نکات را بر شمرد و این سیاست مداران حرفه ای را افشا کند گوش شنوائی برای شنیدن آنها می یابید.

به یاد دارم که قبل از انتصابات دوره دوم خاتمی همین جناب همایون در گفتگویی با برنامه هفتگی تلویزیون آمریکا مردم را به شرکت در انتصابات فرا می خواندند ولی الآن کلا مسئله را منکر می گردند، این حضرات همچون بختکی بر بام سیاست ایران نشسته اند و نه قصد استعفا دارند و نه یک جو صداقت در آنها وجود دارد که برای یک بار بیایند و با ذکر یکی از بی کران اشتباهاتشان خود را نقد کنند، جناب همایون همه مشکلات را به گردن راست نوستالژیک می اندازند ولی ما هر چه با خود اندیشیدیم که این راست نوستالژیک در این بیست و پنج سال در کدام پست و یا مقام اجرائی بوده اند و یا اصولاً چه نقشی در این بلاهای نازل شده بر ما شریک و یا سهیم بوده اند، عقلمان به جایی قد نداد.

در اینجا قصد دفاع از به قول جناب همایون راست نوستالژیک را ندارم زیرا آنها خود چنانچه لازم بدانند حتما این کار را خواهند کرد، اما بحث من این است که این نوستالژیک به چه معناست آیا منظور این است که این گروه آرزوی این مسئله که دوباره مملکت روی ثبات و آسایش را بخود ببیند، و مردم از بیکاری و اعتیاد رنج نبرند، پاسپورت آنها از اعتباری در حد یک گواهینامه دوچرخه اروپائی برابر نباشد و... آیا اگر کسی آرزوی این مسائل را بکند و یا اینکه آرزو بکند که این تروریست ها دیگر بر کشور ما حکومت نکنند نوستالژیک بدی است؟؟؟

جناب همایون درست از همان دریچه برخورد می کنند که حزب توده همواره عمل می کرده است، یعنی نفوذ در جریانات سیاسی و سپس از درون همچون موریانه آنها را خوردن و نابود کردن، ایشان دقیقاً با همین استراتژی قصد قلع و قم کردن مشروطه خواهان را دارند، با مطرح کردن این مسئله که ما به عنوان حزب مشروطه تنها مشروطه خواهان دمکرات هستیم و توده ایها و فدائیان اکثریت هم با سوت و هورا ایشان را تشویق می کنند، و از سوی دیگر با بیان این مسئله که ما چپ تر از تریک داریم و چپ دمکرات و منظور ایشان از چپ دمکرات همانا حزب توده و فدائیان اکثریت می باشد.

درست در اینجا دو مسئله است که بسیار سؤال برانگیز است.

1) در هیچ جای جهان ما شاهد این نیستیم که یک سیاستمدار در جبهه خود انشقاق و چند دستگی را دامن بزند ولی وقتی به جبهه مقابل می رسد برای آنها هورا بکشد و تشویقشان کند یعنی همان کاری که الآن جناب همایون و برخی از اعضای حزبش بدان مشغول می باشند و مدام در جمع آنها حاضر شوند و همگام و هماهنگ همچون یک ارکستر منظم با راست نوستالژیک خواندن هر آنکس که با جناب همایون و سیاست های حزبش همگام و هم فکر نیستند بتازند.

2) به قول خیام:

ای صاحب فتوا ز تو پر کار تریم  
با این همه مستی، ز تو هوشیار تریم  
تو خون کسان خوری و ما خون رزان  
انصاف بده کدام خونخوار تریم؟؟؟

واقعا بین همین گروهی که جناب همایون همراه با رفقای توده ای و اکثریتش آنها را می کوبند و تا کنون هم ما ندیده ایم خون کسی را ریخته باشند و آنچه که ایشان آنها را با استناد بدان آنها را می کوبند این است که آنها به ما و دوستانمان توهین می کنند ( در سخنرانی جناب همایون در آمستردام هلند مورخه دوم اکتبر دو هزار هنگامی که شخصی نظر ایشان را در رابطه با برخورد آقای بهروز سور اصرافیل از ایشان جویا شدند، فرمودند که بله اینها به ما و دوستان شهروندی ما در تورنتو کلی توهین می کنند!) ، این رفقای استراتژیک جناب همایون که در واژگان سیاسی با مثبت ترین دید اگر نگوئیم جانیمان و تروریست های توده ای اکثریتی دوم خردادی اما کولابراتورها یعنی همچون همان گروهی که در زمان نازیست ها با همکاری با نازیست ها خون مردم را ریختند، چگونه است که جناب همایون وقتی به گروه اول (خون **رزان** خوران) می رسند با ترش روئی و با نیش و گزندهای قلمی و زبانی با آنها برخورد می کنند اما با گروه دوم (خون کسان خوران) با نام دمکراسی که من نمی دانم چگونه دمکراسیست با هماهنگی کامل و در کنفرانس های مختلف شرکت می کنند.

جناب همایون در این مقاله اشان همه زورشان را می زنند که خانم عبادی و گافهای سیاسی که ایشان داده اند، را توجیه کنند، و از این مسئله که خانم عبادی خود را مسلمان اعلام کرده اند دفاع می کنند که **بله برنده جایزه صلح بر مسلمان بودن خود و سازش پذیری اسلام با دمکراسی پای مفشارد، این همه حق اوست و از کسی که جایزه ناخواسته رژیم در دست، باشند تهران و زیر تیغ رژیم آخوند و حزب الله است جز از این انتظار نمی توان داشت،** واقعا دست مریزاد به قول هلندی ها مثلی دارند که می گویند برخی از انسانها از چنان زبردستی برخوردارند که یک شیعه منحنی را چنان برای شما ترسیم میکنند که شما در ذهنتان همان شیعه را راست می بینید.

جناب همایون حتما با همین توجیحات می خواهید ما را از سه جهان ( اسلامی، جهان سومی، خاورمیانه ای) رها و به جهان مدرن و اروپائی برسائید؟؟؟ واقعا کدامیک را از شما باید پذیرا باشیم، نوشته های روشنفکرانه اتان را، یا این توجیحات را؟؟؟

جناب همایون آیا از نظر شما این مسئله که یک زن ایرانی بیایند و نه به عنوان یک زن ایرانی برنده جایزه صلح نوبل بلکه بعنوان یک زن مسلمان برنده این جایزه خود را معرفی کنند آنها در رو بروی دوربین های تمام تلویزیون های

معتبر جهانی مسئله ای نیست.

جناب همایون آیا کسی از این آیت الله، دین و مذهبش را سؤال کرده بودند، مگر شما معتقد نیستید که دین و اعتقادات مذهبی انسانها مسئله ایست شخصی و نه عمومی چگونه است که در این شرایط حساس که کشور ما می رود تا از دست این حکومت نکبت اسلامی خلاصی یابد و این خانم با آگاهی کامل و به منظور پیش برد وظیفه ای که به ایشان با استناد به سخنانی که در لحظاتی پس از علنی کردن نام ایشان بعنوان برنده صلح نوبل که در آنها مستقیماً به حمایت از اسلام و حکومت اسلامی و پس از بازگشتشان به ایران در هر فرصتی بر خلاف آن خواست و انتظار مردم ایران که از این حکومت به ستوه آمده اند بیان داشته اند و به تعریف و تمجید از اصلاح طلبان می پردازند اصلاً مسئله ای نیست، البته جناب همایون باید هم از این سخنان حاج خانم شیرین عبادی خوشحال باشند چون در توجیه حمایت‌های خود ایشان از به اصطلاح اصلاح طلبان به کار می آیند؟؟؟.

جناب همایون اجازه بفرمائید که خدمتان عرض کنم که بر خلاف ژست های روشنفکرانه که برای یک مشت جوان مثل من و امثال من که در نطق ها و مصاحبه ها و نوشته هایتان سعی می کنید بعنوان یک شخص سکولار و لائیک از خود به ما حقنه کنید شما اصلاً درک درستی از لائیسته ندارید، چند ساله پیش که در فرانسه مسئله حجاب اسلامی بسیار مسئله ساز شده بود هنگامیکه در یک سخن رانی عده ای قصد آن داشتند که از ژاک شیراک تائیدیه بگیرند در جواب آنها می دانید چه فرمودند: ایشان گفتند که در مسئله لائیسیته که از اصول قانون اساسی فرانسه می باشد ما هیچگونه تعارفی با کسی نداریم و باید رعایت گردد!

حتماً در جواب خواهید گفت که آنجا فرانسه هست، خدمتان عرض کنم که بله حق با شماست و ما در مورد ایران سخن می گوئیم و حاج خانم شیرین عبادی در ایران هستند اما آیا شما که اینگونه از ایشان دفاع می کنید هم در ایران تشریف دارید؟؟؟ یا اینکه واقعا همانگونه که در بالا عرض کردم شما از لائیسیته برداشت درستی ندارید؟؟؟

جناب همایون دقیقاً همان توجیهاتی که تا همین چند ماه پیش همگام با رفقای توده ای اکثریتی و ما بقی هم قطاران دوم خردادیشان در رابطه با خاتمی به کار می بردند اینجا هم دقیقاً همان توجیهات را به کار می برند، در رابطه با خاتمی اشخاصی همچون نوریزاده که از هم‌زمان جناب همایون هستند برای توجیهه خیانات خاتمی ابراز می کردند که خاتمی سید مظلوم و بسیار آدم کم روئی است! الان هم نوریزاده مدام با لفظ شیرین بانو از خواهر شیرین عبادی یاد می کنند و جناب همایون هم خط می دهند که باید از ایشان استفاده کرد، دقیقاً همین افاضات را جناب همایون در رابطه با دوم خردادیها هم بیان می کردند چون جناب همایون همچون نوریزاده بی بند و بار نیستند که هر دقیقه از یک آخوند تعریف و تمجید آنچنانی کنند، بلکه برای توجیه سیاست های خود همواره می گویند ما از این

اصلاح طلبان باید استفاده کنیم، باید از ایشان پرسید جناب همایون چه اندازه از پروژه دوم خرداد استفاده و سود به شما رسیده است!؟؟؟ چون ما ملت که به جز فقر و تباهی و یا افزوده شدن بر سالهای نکبت غربت چیزی عایدمان نگردیده است!؟؟؟.

اما اجازه بفرمائید مسئله را بی پرده و با صراحت بگشایم، همین جناب همایون که خود را تنها مشروطه خواه ناب می دانند همچون جناب برادر اکبر گنجی که خود را یک جمهوری خواه ناب می دانند، وقتی که به شاهزاده رضا پهلوی می رسد اگر کسی نامی از ایشان ببرد فوراً به شخصیت پرستی و... متهم می شوند، و برای شرکت در تظاهرات هم می گویند که ما رفتیم نزد شاهزاده و از ایشان سؤال کردیم که ما عکس شما را اگر بیاوریم این مانع از اتحاد و شرکت دیگر گروه ها در تظاهرات خواهد شد، حال عکس شما را با خود در تظاهرات ببریم یا خیر؟؟؟

ما در هیچ جای جهان شاهد آن نبوده ایم که مردم به نزد یک رهبر ملی بروند و از ایشان بپرسند که آیا ما مجاز هستیم که عکس شما را در تظاهرات ها به همراه خود داشته باشیم یا خیر!؟ آن هم از شخصیتی همچون شاهزاده رضا پهلوی، ایشان و هوادارانش مدام این موضوع را یادآور می شوند که شاهزاده خود راضی نیستند ولی به آن قسمت دوم سخنان شاهزاده که چندین بار من جمله در همان نشست با نمایندگان حزب مشروطه که فرمودند که ما با آنهائیکه که یک پایشان آنور و یک پایشان اینور است اتحادی نداریم، جناب همایون و دیگر هموندان حزبی نه تنها این قسمت را کاملاً سانسور می کنند و اصلاً علاقه ای به گفتگو با دیگر مشروطه خواهان از خود نشان نمی دهند بلکه با جریانات و اشخاصی که نه یک پا بلکه هر دو پایشان آنور است مدام به معامله و داد و ستدهای سیاسی می پردازند!.

جناب همایون دیگر نمی توانند علناً مردم را به شرکت در انتصابات دوره هفتم مجلس شورای اسلامی فرا بخوانند برای استفاده از جمهوری اسلامی!، چون دیگر کسی همچنین کالای بنجلی را نه از جناب همایون و نه از هیچ همفکر دیگر دوم خردادی ایشان نخواهد خرید پس این فرا خوان شرکت در انتصابات را ایشان غیر مستقیم می دهند بدین صورت که ایشان در این مقاله اشان می گویند، **خانم شیرین عبادی یک تن است ولی نمی باید تنها گذاشته شود، ما مردم مسئول آزادی و سلامت اونیم، اگر او از چالش بزرگ خود بدر آید که همه انتظارش را داشته باشند بر همه ما ماست که در پشتیبانی اش بکوشیم، مبارزه ای که کمیته جایزه صلح نوبل بر دوش ایشان گذاشته در دستور کار هر آزادیخواهی است.**

خوب اینجا دو مسئله هست یک اینکه خود شخص خانم عبادی بارها از اصلاحات

و اصلاح طلبان حمایت کرده اند و تا آنجا پیش رفته اند که گفته اند که اگر من در کمیته صلح نوبل بودم جایزه را به خاتمی می دادم، و یا آن در فشانی ها که در مدح مجلس ششم کرده اند، کمیته صلح نوبل هم اعلام کرده است که این جایزه را برای پشتیبانی از اصلاحات و اصلاح طلبان در ایران به ایشان اعطاء کرده ایم!

و درست همین جا است که باید به قول معروف لا بلای خطوط را خواند، نه آنچه در تیتز یا در آغاز خطوط رخ می نمایند و دلبری می کنند، جناب همایون از هر کس دیگری آگاه تر هستند که خانم شیرین عبادی مردم را به کجا می خواهند ببرند، و کمیته صلح نوبل هم به چه منظور این جایزه را به ایشان اعطا کرده است، ولی ایشان قصد آن دارند که همه ما را در پشت سرخواهر شیرین عبادی به صف کنند، و از آن گذشته همچون محافظین ایشان و سپس خواهر شیرین عبادی هم ما را با نظم و ترتیب و با یک ترکه در دست که هیچ کدام از ما جرات شیطنت و یا غیبت را نداشته باشیم، برویم و رای هایمان را در اسفند ماه آینده به درون صندوق های رای انتصابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی بیندازیم.

اما همانگونه که سران جمهوری اسلامی، حامیان و طرفدارانشان کاملاً بر این شرکت و یا عدم شرکت مردم در انتصابات و عواقب آن برای جمهوری اسلامی واقفند، بر ما ملت ایران است که با دقت کامل هر جمله ای که از زبان و یا از قلم این عالیجنابان جاری می شود دقت کنیم و اجازه ندهیم که یک بار دیگر ما را بدانجا رهنمون کنند که راه بازگشتی در آن میسر نباشد.

شرکت مردم در پای صندوق های رای مساوی است با بقای حداقل چند سال دیگر جمهوری اسلامی و سرخوردگی اپوزیسیون و مردمی که خواهان سرنگونی این نکبت اسلامی می باشند، و عدم شرکت مردم برابر خواهد بود با نزدیکی بیشتر ملت به همدیگر جهت تشکیل یک بدیل قوی برای جایگزین کردن آن با جمهوری اسلامی و شناسائی آن توسط مجامع بین المللی و کشورهای خارجی و در نهایت عبور از تمامیت جمهوری اسلامی اعم از محافظه کار و دوم خردادی درون و برون ایران.

در خاتمه لازم می دانم که به همه هم میهنانانی که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و رهبری شاهزاده رضا پهلوی برای عبور از این بن بست و فاجعه ملی (جمهوری اسلامی) معتقد می باشند یادآوری کرده باشم که شاهزاده موضع خود را صریحاً و بی پرده در مصاحبه با رادیو فردا در مورد انتصابات دوره هفتم شورای اسلامی اعلام کرده اند و آن همانا تحریم آن می باشد، و مطمئن باشید آن دسته از ملت که به آن دو اصلی که در همین بند برشمردم معتقد باشند از تحریم انتصابات حمایت و پشتیبانی خواهند کرد.

مسعود علیزاده  
سوم نوامبر دوهزار و سه میلادی

مقاله جناب داریوش همایون در بخش مقالات کیهان لندن شماره 979.  
[http://www.kayhanlondon.com/main\\_page.html](http://www.kayhanlondon.com/main_page.html)

گفته آیت الله کنی در تارنمای ذاکری

[http://zakeri.org/modules.php?  
name=News&file=article&sid=1547](http://zakeri.org/modules.php?name=News&file=article&sid=1547)

مصاحبه با آقای به آذین که در اکثر تارنماهای طیف توده ای قابل دسترسی می  
باشد اما فقط به تارنمای پیک نت متعلق به رفیق عیسی سحرخیز معاون توده ای  
وزارت ارشاد جمهوری اسلامی اشاره میکنم.

<http://www.peiknet.com/1382/page/04aban/p446azin.htm>